



تاریخ: ۲۰۲۴/۰۲/۲۰

بخش: تجارت داخلی و خارجی

نویسنده: سیدعظیم حسینی

گروپ های اقلام صادراتی افغانستان

از لحاظ زمانی ترکیب و حجم، صادرات و واردات مطابق به شرایط و عوامل موجود در یک کشور و همچنین نیازمندی ها، در حال تغییر و تحول است همچنانیکه شرکای تجاری نیز میتوانند تغییر نمایند. درکنار اینکه واردات اموال جهت رفع نیازمندی های داخلی کشورها از اهمیت خاصی برخوردار است، صادرات هرکشور رکن اساسی تجارت خارجی را تشکیل داده و زمینه سازکسب ثروت بشمارمیرود، بنأ تلاش همیشگی جریان داردا منابع و چشمه های صادراتی درابعاد مختلف توسعه و تقویت گردد. ازجانب دیگر تجارت به ویژه تجارت خارجی منحصی یک رکن مهم اقتصادی با سکتور های دیگر چون زراعت، صنعت، معادن، انرژی و خدمات (صحت عامه، تعلیم و تربیه، توریسم و غیره) در تأثیر گذاری متقابل قرار دارد و این تأثیر گذاری متناسب به اندازه رشد این سکتور هامیباشد. به همان اندازه که سکتورهای متذکره پیشرفته، وسیع و انکشاف یافته باشد، تجارت صادراتی پررونق، گسترده و انکشاف یافته عرض اندام مینماید. تجارت صادراتی در موجودیت زیربنای حقوقی فراگیر، ساده سازی پروسیجر های اداری، آگاهی از قوانین جهانی تجارت و مدیریت سالم، بازاریابی و همچنان تسهیلات فراگیر تجاری و ترانزیتی، میتواند رشد سریع و گسترده داشته باشد. با چنین امکانات تجارت ممدانکشاف سکتور های دیگر گردیده و بستر رشد و انکشاف اقتصادی و اجتماعی کشورها را فراهم میسازد. منابع تامین کننده صادرات در کشورهای مختلف نظربه امکانات و سطح انکشاف اقتصادی هریک ازکشورها متنوع بوده و تدابیر پیگیرانه ازسوی دولتها و سکتور خصوصی از طریق طرح پالیسی های جامع، توسعه سرمایه گذاری هادر سکتورهای تولیدی، تحقیقات علمی و اختراعات جدید که جز مالکیت های ذهنی (معنوی) میباشند، درجهت تقویت و تحکیم هرچه بیشتر این منابع اتخاذ میگردد. انکشاف مطمئن و دوامدار و سطح بلند صادرات یک کشور تابع فورمول ذیل است:

سطح بلند صادرات = تنوع کالا + کمیت بیشتر کالا + کیفیت بهتر کالا + تسهیلات صادرات .

هرجز این فورمول تابع فکتور های دیگرست مانند:

- ۱- بدون موجودیت تنوع کالاها در سکتورهای مختلف اقتصاد یک کشور نمیتوان از رشد صادرات صحبت کرد. کشورهایی که سطح بلند صادرات را بخود اختصاص داده اند، توجه جدی شانرا از طریق طرح برنامه ملی رشد صادرات درجهت توسعه و گسترش هرچه بیشتر منابع ویا "چشمه های تغذیه" صادرات در سکتور های مختلف اقتصاد مبذول داشته اند که شامل انکشاف تمام سکتور های تولیدی گردیده و در فرجام باعث تنوع تولیدات و محصولات برای صادرات میگردد.

۲- در کنار تنوع کالاها، صادراتی، کمیت بیشتر این کالاها ارتباط مستقیم به ظرفیت و توانایی منابع و چشمه های تولیدی تامین صادرات دارد زیرا تولیدات و محصولات بیشتر در سکتورهای مختلف، حجم و کمیت بیشتر صادرات را در قبال دارد.

۳- ارتقای مستدام کیفیت کالاها، صادراتی (دارای قابلیت رقابت در مارکیت های بیرونی) از طریق ایجاد زیربنای علمی- تحقیقی، تکنیکی، تعمیم و استاندارد سازی کالاها، صادراتی و تعمیم نظام یا سیستم مالکیت های ذهنی (معنوی) یا (Intellectual property) و استفاده از تکنولوژی جدید از مسایل مهمی است که در بلند بردن استاندارد و کیفیت کالاها، صادراتی تاثیر تعیین کننده دارد و از فکتورهای مهم رشد صادرات محسوب میشود زیرا جنس با کیفیت عالی بعد از معرفی در مارکیت، در میدان رقابت جهانی همیشه برنده است و جایگاه خود را درین مبارزه تنگاتنگ خود تعیین مینماید و همیشه خریدار دارد.

۴- موجودیت تسهیلات فراگیر تجاری. سرعت عمل در روند صادرات که عنصر با اهمیت بشمار میرود وابسته به عوامل مختلف میباشد که مهمترین آنها را موجودیت تسهیلاتی چون امنیت سراسری، مدیریت سالم پالیسی صادرات، طرز العمل های آسان طی مراحل اداری، امکانات و تسهیلات فراگیر ترانزیتی و عبور سرحدی، وسایط ترانسپورتنی و انتقالاتی قابل اطمینان، خطوط آهن، امکانات وسیع کارگویی هوایی، شاهراه های عصری و راه های مطمئن انتقالاتی و ترانزیتی، بازاریابی های گسترده و مستمر، و غیره تشکیل میدهد که با عملی شدن عوامل فوق الذکر، پروسه صادرات تسریع شده و در بلند بردن سطح صادرات ممد واقع میگردد. یکی از مثال های نادر در زمینه تطبیق این فورمول جمهوری اتحادی آلمان است که پس از جنگ دوم جهانی بر اساس پلان مارشال توانست از یک کشور شکست خورده و مخروبه، با مدیریت عالی اقتصادی به یکی از کشورهای با اقتصاد بزرگ و قافله سالار تجارت بین المللی مبدل شده و هم یکی از پنج کشور بزرگ صادر کننده جهان گردد. راز این موفقیت بزرگ جمهوری فدرالی آلمان در صادرات سطح بلند، بوجود آوردن تنوع در تولید، کمیت بلند تولیدات و محصولات در تمام سکتورهای اقتصادی بویژه سکتور صنعت، با کیفیت عالی تولیدات و محصولات و تسهیلات وسیع البنیاد تجارتی جهت تسریع پروسه صادرات میباشد. اما درین راستا وضع در افغانستان به چه منوال است؟ تجارت عمدتاً در افغانستان یک امر خودجوش است. در طول تاریخ تجارت به جهات مختلف فورمول فوق الذکر هیچ التفاتی صورت نگرفته و یا کمتر مورد توجه واقع گردیده است. افغانستان یک کشور زراعتی بوده و طوریکه گفته میشود حدود ۸۰ درصد مردم مصروف زراعت و مالدار میباشند بناً منابع عمده و چشمه های تغذیه صادرات کشوری قرنهای گذشته از همین سکتور سیراب گردیده و باسپری شدن سده ها، باز هم چشمه ها و منابع بالقوه تامین صادرات امروز کشور را کماکان گروپ و امتعه ذیل احتوا مینماید:

۱- میوه جات تازه؛ میوه جات خشک؛ سبزیجات؛

۲- محصولات حیوانی به شکل مواد خام و غیر پروسس شده ؛

۳- نباتات طبی به شکل مواد خام و غیر پروسس شده ؛

۴- صنایع دستی افغانستان ؛

۵- مواد معدنی با استخراج بسیار ابتدائی و غیر علمی که قسمت عمده آن بطور قاچاق از کشور خارج میگردد؛

۶- نباتات صنعتی محدود؛ و

۷ - تولیدات صنعتی قابل صدوره کمیت بسیار ناچیز.

اما در دهه های ۲۰ و ۳۰ هجری شمسی در دوره وزارت عبدالمجید خان زابلی که به حیث وزیر اقتصاد فعالیت داشت، تحولاتی چندی رخداد. وضع تجارت و اقتصاد کشور در این دوره بسوی ثبات و انتظام بیش از پیش در حرکت بود و مشخصات ذیل، این دوره را از دوره های ماقبل متمایز میساخت:

- استقرار ثبات و امنیت عمومی در کشور از لحاظ اجتماعی، سیاسی و نظامی.
- اتخاذ تدابیر هدفمند در جهت انکشاف تجارت و ایجاد صنایع از طریق تشویق سرمایه گذاری ها منجانب رهبری وزارت اقتصاد ملی تحت نظر عبدالمجید زابلی و رئیس بانک ملی با همکاری سکتور خصوصی.
- اعطای امتیازات فوق العاده و استثنائی برای سکتور خصوصی از جانب دولت با طرح خواست های متقابل دولت از سکتور خصوصی.
- تشکل بهتر سکتور خصوصی افغانستان از طریق ایجاد شرکتها با اهداف مشخص.
- سوق و توجیه هدفمند سرمایه سکتور خصوصی بطرف سرمایه گذاری های صنعتی و ایجاد شرکتهای صنعتی در بخشهای مختلف تولیدات صنعتی.
- ایجاد نظام بانکی در کشور و تأسیس اولین بانک (بانک ملی افغان) جهت انجام و ارائه خدمات بانکی.
- تعیین اهداف مشخص در جهت انتظام هدفمند اقتصاد و رشد تجارت صادراتی.
- فراهم آوری شرایط جهت توسعه امکانات تجارت از طریق وبه همکاری بانک ملی افغان.
- تشویق و ترغیب شرکت هادرجهت سعی و تلاش برای انکشاف صادرات منحصیث اولویت کاری و نظارت از آنها.
- توسعه امکانات و فراهم آوری تسهیلات بیشتر از طریق انجام تلاشها در راستای ایجاد و تقویت چشمه های صادراتی کشور.
- بازاریابی های هدفمند و تشدید توسط خود افغانها و نمایندگیهای بانک ملی در خارج بمنظور بهبود و توسعه صادرات و فرامرزی شدن هرچه بیشتر صادرات.

در همین دوره بود که اساس صنایع خفیفه گذاشته شد و در تجارت افغانستان تکانه جدید وارد گردیده دروازه های کشورهای جدید و جدیدتر بروی افغانستان باز شد. دست آورد های بزرگ این دوره تاسیس بانک ملی و متعاقب آن ایجاد دافغانستان بانک میباشد که باعث بنیاد گذاشتن و تقویت نظام مالی و کردیتی در افغانستان شد. توسعه معاملات تجارتی (صادرات و واردات) بطور مستقیم با کشور های غربی منجمله انگلستان، جرمنی، امریکا و غیره، از اقدامات تاریخی و فراموش ناشدنی این دوره بشمار میرود. اهمیت بارز این دوره در شور و شعف و تحرکی که از جانب سکتور خصوصی بمیان آمده بود نهفته است. پس از این دوره چنین تحرکی بار دیگر تا به حال در تاریخ تجارت افغانستان سراغ نشده است.

همچنان در دوران صدارت محمد داود بنیاد صنایع ملی - دولتی گذاشته شد که در رشد بعدی صادرات افغانستان کارگرافتاد وبه انکشاف و توسعه صادرات جان تازه بخشید. بطور اجمال میتوان گفت که حدود چهل سال الی استقرار دولت مجاهدین،

برغم کمی ها وکاستی ونشیب و فرازاها، بازهم سالهای عصر تحول، پیشرفت وترقی بشمار میرود. طی این دوره که نظام اقتصاد مختلط ورهبری شده مسلط بود، درکشور چندین پلان ۵ ساله، یک پلان ۷ ساله وچندپلان یک ساله براه انداخته شد ودرنتیجه این همه تلاشهای که صورت گرفت افغانستان دراحداث شاهراه حلقوی، ۱۱ بند برق و ۵۲۰۰ موسسات صنایع کوچک وفابریکات نساجی، پشمینه بافی، نختابی کابل، بوت آهو، پشمینه بافی قندهار، کود وبرق مزارشریف، صابون سازی، سیلوها درولایات کابل، بلخ، بغلان(پلخمری) قندهاروهرات، آسیاب وفابریکه نانپزی اول ودوم درکابل، فابریکه سمنت غوری، جبل السراج، و هرات، وصدها مؤسسه تولیدی دیگر اقدام شد. از جانب دیگر وضع ترانسپورت خصوصی و دولتی بهبود یافته ومنظم گردید، استخراج ذغال سنگ وسایر معادن بهترشد. اما با تأسف فراوان با آغاز جنگهای میان گروهی مجاهدین تماماً هست وبود اقتصادی کشور که طی بیشتر از نیم قرن ایجاد گردیده بود به یغما رفت. در اثر این حوادث ناگوار تجار وسرمایه گذاران مجبور به فرار ازکشور شده، فابریکات ومراکز تولیدی یا تخریب ویا نسبت فراراجباری صاحبان آن مسدود وبعداً مورد دستبرد قرارگرفت.

وضع موجود تجارت درافغانستان:

دولت قوی معادل تجارت قویست، هرقدردولت ضعیف ومشکلات داخلی بیشترباشد به همان اندازه تجارت درمجموع وتجارت خارجی بطوراکخص نحیف، لرزان وبی ثبات است.

با تأسف زیادجنگهای تباه کن وبی امنیتی های ممتد، تاثیرات تخریبی عمیقی در اقتصاد کشور بجاگذاشته وبا تخریب زیرساختهای اقتصادی کشورتی سالهای جنگ، ضربات مهلکی برمنابع وچشمه های(آنهم محدود) تامین صادرات واردنمود. درنتیجه این نابسامانی ها ترکیب صادرات مختل و باعث کاهش جدی حجم عمومی صدورکالاها بخارج گردیدو امکانات حد اقلی که طی نیم قرن گذشته در زمینه رشد صادرات بوجود آمده بود ازبین رفت و صادرات درسال ۱۳۸۰ در پائین ترین سطح سقوط نمود. پس ازسقوط طالبان ازاواخر سال ۱۳۸۰ (۲۰۰۱) دوره جدید درتجارت افغانستان آغاز میگردد. براساس فیصله کنفرانس بُن که بعداً در قانون اساسی نیزتسجیل گردید، نظام اقتصاد بازار رسمی گردید ودولت وظیفه گرفت تا درترویج نظام اقتصاد بازاراقدامات همه جانبه را به هدف انکشاف پایدار ومتوازن اقتصادی ازطریق رشدتوسعه سکتور خصوصی، که از لحاظ اجتماعی پاسخگو بوده و باعث افزایش اشتغال و کاهش فقردر کشورگردد، مرعی سازد. برغم آنکه طی دوازده سال اخیر صادرات دستخوش تحولات نسبی گردیده و جان دو باره یافته است، اما با وصف میسرشدن امکانات جدید مانند، بازشدن درهای بسته کشورهای جهان بخصوص اروپا و ایالات متحده امریکا، اعطای ترجیحات گمرکی ازجانب یکتعداد ازکشور های دوست جهت بهبود صادرات، جذب سرمایه گذاری نسبی وفراهم آوری تسهیلات بهتربه شمول پروسس وبسته بندی مطابق نیاز مارکیت های خارجی نسبت به دوره های قبل، ساده سازی طی مراحل اسناد صادراتی، ازدیاد اقلامی چون زعفران، انار، ذغال سنگ، سنگ مرمر ورخام و درجدول صادرات وشامل شدن دوباره پخته محلوج و کینو بعداز غیابت حدود سه دهه در جمع اقلام صادراتی وعقدموافقتنامه های ترانزیتی با یکتعدادازکشورها وغیره، طوریکه انتظار برده میشد، صادرات ثبات لازم راکسب نکردوازتئوع، کمیت، کیفیت وسرعت لازم رشد برخوردارنشد. صرف نظراز مدوجذر های که درروند صادرات وجودداشت صادرات بطوراعظمی توانست در سال۱۳۹۳ به رقم ۵۷۱ ملیون دالر صعود نماید. طوریکه اشاره شد، درحال حاضر هم منبع اساسی تأمین صادرات همانا سکتورزراعت وقسمأ صنایع دستی میباشد.

ضعف دولت مرکزی، تداوم جنگ اعلام ناشده، عدم سيطرة دولت در سراسر کشور بخصوص درمعادن لاجورد، زمرد، طلا، کروماید، سنگ رخام وسنگ مرمروزغال سنگ، طغیان فساد مالی در منابع عایداتی دولت به ویژه درگمرکات، موجودیت وبرتری اقتصادسیاه بر اقتصاد قانونی نوپا، موجودیت اقتصاد جرمی، چشم پوشی ازتجارت غیر قانونی تریاک، عدم تطبیق قوانین به صورت یکسان، موجودیت باند های مافیایی، موجودیت جزیره های قدرت وقدرت بیش از

حد جنگ سالاران در سراسر کشور به مثابه چالشهای بسیار جدی قبل از رسیدن طالبان به قدرت در دوره دوم، به عوامل بازدارنده انکشاف صادرات در افغانستان مبدل شده بود.

اما از لحاظ ساختاری عدم رشد صادرات در نکات آتی مضمّن است :

۱. محدود بودن منابع و یا چشمه های تأمین صادرات:

صادرات هر کشور رکن اساسی تجارت خارجی را تشکیل داده و زمینه ساز کسب ثروت بشمار میرود، بناً در سطح جهانی تلاش همیشگی جریان دارد تا منابع و چشمه های صادراتی در ابعاد مختلف توسعه و تقویت گردد. از جانب دیگر تجارت به ویژه تجارت خارجی منحصراً یک رکن مهم اقتصادی با سکتور های دیگر چون زراعت، صنعت، معادن، انرژی، ساختمان و خدمات (صحت عامه، تعلیم و تربیه، توریسم و غیره) در تأثیر گذاری متقابل قرار دارد و این تأثیر گذاری متناسب به اندازه رشد این سکتور ها می باشد. به همان اندازه که سکتور های متذکره پیشرفته، وسیع و انکشاف یافته باشد، تجارت صادراتی پر رونق، گسترده و انکشاف یافته عرض اندام مینماید. تجارت صادراتی در موجودیت زیربنای حقوقی فراگیر، ساده سازی پروسیجر های اداری، آگاهی از قوانین جهانی تجارت و مدیریت سالم، بازاریابی و همچنان تسهیلات فراگیر تجاری و ترانزیتی، میتواند رشد سریع و گسترده داشته باشد. با چنین امکانات تجارت ممدانکشاف سکتور های دیگر گردیده و بستر رشد و انکشاف اقتصادی و اجتماعی کشور ها را فراهم میسازد.

منابع تأمین کننده صادرات در کشورهای مختلف نظریه امکانات و سطح انکشاف اقتصادی هر یک از کشور ها متنوع بوده و تدابیر پیگیرانه از سوی دولتها و سکتور خصوصی از طریق طرح پالیسی های جامع، توسعه سرمایه گذاری هادر سکتور های تولیدی، تحقیقات علمی و اختراعات جدید که جز مالکیت های ذهنی (معنوی) intellectual property میباشد، در جهت تقویت و تحکیم هر چه بیشتر این منابع اتخاذ میگردد. انکشاف مطمئن و دوامدار و سطح بلند صادرات یک کشور تابع فرمول ذیل است:

سطح بلند صادرات = تنوع کالا + کمیت بیشتر کالا + کیفیت بهتر کالا + تسهیلات صادرات .

با تأسف در افغانستان علیرغم موجودیت ارگانهای مسئول، تجارت عمدتاً یک امر خودجوش است، زیرا امکانات در راستای توسعه منابع و چشمه های صادرات محدود است. طی ۱۹ سال گذشته میزان صادرات، سالانه طور اوسط بالغ بر حدود ۴۹۸ میلیون دالر گردیده، و نسبت عدم سازماندهی درست صادرات، کمبود سرمایه گذاری ها، چالشهای ترانزیتی، مشکل زیر بناهای تکنیکی و حقوقی، عدم مراعات معیارها و استانداردهای بین المللی، مشکلات امنیتی و تفنگسالاری، باجگیری ها در شاهراه ها و فساد گسترده در دستگاه اداری دولت، افغانستان نتوانسته است زمینه های عرضه این اقلام را در بازار های منطقه و جهانی بشکل گسترده میسر سازد و جایگاه مناسبی را درین بازار ها بخود اختصاص دهد. هرگاه دولت و سکتور خصوصی در همکاری باهم در رفع این چالشها اقدام بموقع نموده و روند تقویت، توسعه و تحکیم منابع صادرات قسمیکه گفته شد دقیقاً مدیریت شود، صادرات باوجود محدودیت های منابع و چشمه های صادراتی میتواند در قالب یک پالیسی دقیق و قابل تطبیق، انکشاف یافته و دست آورد های بهتری حاصل شود. موازی به آن انکشاف و توسعه عملی صادرات را باید با تأمین امنیت سرتاسری، در محور تقویت و استحکام چشمه ها و منابع تأمین کننده آن و همچنان فراهم آوری تسهیلات فراگیر تجاری مطالعه کرد زیرا طوریکه گفته شد، رشد صادرات ارتباط مستقیم با منابع تأمین آن داشته و تنها با تقویت و توسعه هدفمند و مستدام این منابع، فراهم آوری تسهیلات بیشتر و مدیریت سالم میتوان به انکشاف و توسعه صادرات توفیق حاصل نمود، اما از امکانات و ظرفیت های موجود منابع تأمین صادرات نمیتوان توسعه و رشد

صادرات رابه حساب هندسی و معادل رشد واردات انتظار داشت، به دلیل اینکه در قدم اول ظرفیت های مجموعی منابع صادرات کشور در امکانات محدود موجود نهفته است، و در گام دوم تضمینی در ثبات تهیه و تولید اقلام صادراتی در سکتور زراعت و بازارهای دایمی برای صنایع دستی وجود ندارد، زیرا عمدتاً حاصلات زراعتی حتی با وجود اتخاذ تدابیر سکتوری جهت بهبود محصولات، اندازه و کمیت حاصلات در گرو طبیعت است و حاصلات آن متناسب به مهربان بودن طبیعت گاهی ارتقاء یافته و زمانی کاهش می یابد. از طرفی صنایع دستی از جمله نیازهای ضروری نبوده، و هم هنگام بروز رکود اقتصادی، از وضع عمومی اقتصادی جهان متأثر میگردد. تولیدات صنایع دستی مانند سایر کالاها بنابر تقاضای مارکیت عرضه شده و به همین علت نمیتواند از جمله کالاهای مطمئن و دایمی صادراتی باشد. به عنوان مثال میتوان از قالین افغانی نامبرد، چنانچه بحران اخیر (طی سالهای ۱۳۸۸-۱۳۹۲) اقتصادی جهان صدمه بزرگی بر صادرات این گروپ از اقلام صادراتی بجا گذاشت. این دو گروپ مهم اقلام صادراتی در حالیکه بطور عادی سهم خوبی در صادرات دارند اما رشد دایمی و دوامدار آن بنابر عوامل یادشده تحت سؤال است.

۲. چالش ترانزیتی

از لحاظ موقعیت جغرافیائی، جمهوری اسلامی افغانستان کشور بیست محاط به خشکه، اما منحصیث یک پل ترانزیتی آسیای مرکزی را به آسیای جنوبی و آسیای جنوبی را به آسیای غربی وصل و خدمات ترانزیتی را ارائه مینماید اما خود به مشکل جدی و حتی مانع بزرگ ترانزیتی اموال خویش از طریق پاکستان مواجه میباشد. لازم به تذکر است که محاط به خشکه بودن در جهان به هم پیوسته ای امروزی نمیتواند چالش برانگیز باشد، زیرا از یکطرف در زمینه کنوانسیون بین المللی برای کشور های محاط به خشکه (Land lock convention) جهت تنظیم این چالش وجود دارد که از جانب تمام کشورها مراعات میگردد و از سوی دیگر کشور های محاط به خشکه در سایر نقاط جهان در تفاهم با همسایه گان خویش که سیاست های خارجی معقول و منطقی در قبال همسایه گان خویش دارند، در حل این معضل فایق آمده اند. اما کشور ما بنابر سیاست های غیردوستانه بعضی از همسایه گان، موفق به حل این مشکل نگردیده زیرا روابط تجاری و اقتصادی آنها با افغانستان در گرو سیاست خارجی منفیگرایانه آنها قرار دارد. بنابرین تجارت خارجی افغانستان خواهی نخواهی در چوکات همین سیاست های غیردوستانه بعضی از همسایه گان به چالشهای جدی مواجه بوده و امکانات صدور اقلام افغانی را به خارج در زمان کوتاه و به قیمت ارزان محدود ساخته و همه ساله صدمات جبران ناپذیری را در کل به اقتصاد افغانستان وارد مینماید. در نتیجه، صدور تولیدات و محصولات افغانی به مراتب کمتر از حد معین آن صورت گرفته و اسعار قابل دریافت از صدور این اقلام کاهش مییابد. این موضوع میتواند منحصیث یک راهکار هدفمند " جلوگیری از ورود اسعار به افغانستان و مانع شدن از انکشاف اقتصادی " باشد. مشکل ترانزیتی که با پاکستان موجود است، به عامل بزرگ محدود شدن صادرات به هند گردیده و هم تجار افغانی نمیتوانند تجارت خویش را از با هند از طریق خاک پاکستان طوریکه ایجاب مینماید (بخصوص در بخش واردات) انجام دهند.

۳. مشکل زیر بناهای تخیکی:

- فقدان سرک حلقوی و سرکهای ترانزیتی به ستندرد بین المللی. نبود سرک حلقوی و سرکهای ترانزیتی به ستندرد بین المللی چالش دیگر است که امکانات انتقالات اموال را نه تنها برای مارکیت های داخلی بلکه برای مارکیت های بین المللی کاهش میدهد و قیمت های ترانسپورتی را افزایش مبخشد.
- نبود شبکه راه آهن سراسری که ارزانترین شبکه ترانسپورتی بعد از کشتی رانی در سطح جهان میباشد.
- نبود یا کمبود برق، که مقدار بیشتر آن از خارج وارد شده و به قیمت های بلند برای صنایع و پروسس اقلام صادراتی به فروش میرسد.
- کمبود آب شبکه ئی برای صنایع و پروسس اقلام صادراتی و در صورت موجودیت و به قیمت های بلند برای صنایع و پروسس اقلام صادراتی به عرضه میگردد.

- عدم موجودیت پلان های وسیع در ایجاد پارک های صنعتی نمونه با تمام زیربناهای لازمی در سراسر کشور به شکل متوازن.
 - عدم موجودیت زون های زراعتی - صنعتی ستندرد به منظور پروسس اقلام صادراتی.
 - ۴. **مشکل زیربناهای حقوقی:**
 - عدم تطبیق ماده دهم قانون اساسی در مورد حمایت و تشویق سکتور خصوصی که در نتیجه سکتور خصوصی افغانستان نمیتواند بالای دولت اعتماد نماید.
 - عدم کارائی قانون موجود سرمایه گذاری های خصوصی در افغانستان
- اما عمده ترین عواملیکه طی دهه گذشته توانسته است منحصیث عوامل بازدارنده ایجاد بستر مناسب رشد و انکشاف منابع و چشمه های تامین صادرات عمل نموده و آینده را نیز میتواند به چالش بکشد عبارت از عدم موجودیت مدیریت کارآ و فراگیر در امر رهنمائی، تشویق و جلب و جذب سرمایه گذاریها، میباشد
- در حال حاضر صادرات افغانستان نظر به تقسیمات گروهی جهت تسهیل جمع آوری آمار احصائیوی، مشتمل از گروپهای صادراتی آتی میباشد:

۱. صنایع دستی
۲. میوه جات تازه
۳. میوه جات خشک
۴. سبزیجات
۵. حبوبات
۶. نباتات طبی
۷. تخمیانیه باب
۸. مصالح جات
۹. نباتات صنعتی
۱۰. نباتات تیلی
۱۱. مواد و محصولات معدنی
۱۲. تولیدات صنعتی
۱۳. محصولات حیوانی. ختم